



گذار به نظم نوین جهانی: تأثیر فضای سایبر و هوش مصنوعی بر دگرگونی‌های فرهنگی-اجتماعی در عصر افول هژمونی آمریکا

ظاهره جهان پرور^۱

۳۵

چکیده

جهان معاصر شاهد تحولات ژئوپلیتیکی عمیقی است که از آن به عنوان «گذار از نظم تک‌قطبی به نظم چندقطبی» یاد می‌شود. افول نسبی هژمونی ایالات متحده آمریکا و ظهور فناوری‌های نوین دیجیتال، دو عامل کلیدی هستند که در تعامل با یکدیگر، تحولات فرهنگی و اجتماعی جدیدی را در سطح جهانی ایجاد کرده‌اند. این پژوهش با هدف تحلیل و تبیین نقش فناوری‌های دیجیتال به ویژه هوش مصنوعی و فضای سایبر در تحولات فرهنگی و اجتماعی جهان در حال گذار به دوران پساهژمونی آمریکا انجام شده است. سؤالات اصلی پژوهش عبارتند از: افول هژمونی آمریکا چه تأثیری بر تحولات فرهنگی و اجتماعی جهانی داشته است؟ هوش مصنوعی و فضای سایبر چگونه در شکل‌دهی به گفتمان‌های فرهنگی جدید نقش آفرینی کرده‌اند؟ بازیگران جدید بین‌المللی از چه راهبردهایی در عرصه فرهنگی استفاده می‌کنند؟ این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از مطالعه اسناد و منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. داده‌های مورد نیاز از طریق برر سی مقالات، کتب، گزارش‌های مراکز پژوهشی و اسناد معتبر بین‌المللی گردآوری شده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که افول هژمونی آمریکا منجر به ایجاد خلأ قدرت در عرصه فرهنگی شده است. در چنین شرایطی، فناوری‌های دیجیتال به بازیگران نوظهور اجازه داده‌اند تا با تولید و توزیع محتوای فرهنگی جایگزین، به بازتعریف هنجارها و ارزش‌های جهانی بپردازند. هوش مصنوعی به عنوان یک تسهیل‌گر قدرتمند، به بازیگران بین‌المللی اجازه داده است تا جنگ روایت‌ها را در مقیاس و سرعتی بی‌سابقه مدیریت کنند. این پژوهش نشان داد که افول هژمونی آمریکا و ظهور فناوری‌های دیجیتال، تحولات فرهنگی و اجتماعی عمیقی را در سطح جهانی ایجاد کرده‌اند. در این گذار، هوش مصنوعی و فضای سایبر به عنوان عوامل تسهیل‌گر، به بازیگران نوظهور اجازه داده‌اند تا با ایجاد آلترناتیوهای فرهنگی، به بازتعریف هویت‌ها و ارزش‌های جهانی بپردازند. این روند منجر به شکل‌گیری نظامی چندقطبی در عرصه فرهنگی شده است.

کلیدواژه‌ها: افول آمریکا، جهان پساآمریکایی، هوش مصنوعی، فضای سایبر، تحولات فرهنگی، قدرت نرم،

ژئوپلیتیک فناوری.

دوره ۱۰، شماره ۱، پیاپی ۳۶

بهار ۱۴۰۵

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴/۱۲/۰۶

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۵/۰۳/۲۳

صص: ۳۰۷-۲۹۵

شابا چاپی: ۴۵۶۵-۲۵۸۸

الکترونیکی: ۰۳۸۱-۲۷۱۷



۱. دانشجوی دکتری علوم ارتباطات، گروه ارتباطات اجتماعی، دانشکده فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه بین‌المللی سوره، تهران، ایران.

مقدمه

جهان معاصر در حال تجربه تحولات پارادایمی در نظم بین‌المللی است. بر اساس نظریه «جهان پس‌آمریکایی» آچاریا (Acharya, 2014)، شاهد افول تدریجی هژمونی ایالات متحده و ظهور نظم چندقطبی هستیم. این تحول ژئوپلیتیکی همزمان با انقلاب دیجیتال و ظهور فناوری‌های نوینی نظیر هوش مصنوعی و فضای سایبر در حال وقوع است. به باور کاستلز (Castells, 2010)، ظهور «جامعه شبکه‌ای» منجر به دگرگونی بنیادین در شیوه‌های تولید، توزیع و مصرف فرهنگی شده است. از سوی دیگر، نظریه «قدرت نرم» نای (Nye, 2021) نشان می‌دهد که در این شرایط جدید، ابزارهای اعمال قدرت و نفوذ نیز دچار تحول اساسی شده‌اند.

والت (Walt, 2011) با نظریه «پایان دوران آمریکایی» بر این باور است که افول هژمونی آمریکا فضایی برای ظهور بازیگران جدید و آلترناتیوهای فرهنگی فراهم کرده است. پژوهش‌های متعدد نشان می‌دهند که هم‌زمانی افول هژمونی آمریکا با انقلاب دیجیتال، فرصت‌های بی‌سابقه‌ای برای بازیگران نوظهور ایجاد کرده است تا در عرصه فرهنگ و هویت‌سازی جهانی نقش‌آفرینی کنند (Schultz, 2020; Hall & Pine, 2022). با این حال، این تحولات با چالش‌های جدی نظیر تشدید نابرابری دیجیتالی، فرسایش هویت‌های محلی، و ابزاری شدن فرهنگ برای اهداف ژئوپلیتیک همراه بوده است.

هدف اصلی این پژوهش، تبیین و تحلیل تأثیر متقابل افول هژمونی آمریکا و ظهور فناوری‌های دیجیتال بر تحولات فرهنگی و اجتماعی در سطح جهانی با اتکا به نظریه جامعه شبکه‌ای کاستلز (۲۰۱۰) و نظریه قدرت نرم نای (۲۰۲۱) است. بررسی نشانه‌ها و سازوکارهای افول هژمونی آمریکا در عرصه فرهنگی بر اساس نظریه پایان دوران آمریکایی والت (۲۰۱۱)، تحلیل نقش هوش مصنوعی و فضای سایبر در بازتعریف مفاهیم قدرت و نفوذ فرهنگی، شناسایی راهبردهای بازیگران جدید بین‌المللی در استفاده از فناوری‌های دیجیتال برای گسترش نفوذ فرهنگی، و تحلیل تأثیر این تحولات بر هویت‌ها و نهادهای اجتماعی از اهداف جزئی این پژوهش هستند.

سوالات اصلی پژوهش عبارتند از:

۱. افول هژمونی آمریکا چه تأثیری بر تحولات فرهنگی و اجتماعی جهانی داشته است؟

۲. هوش مصنوعی و فضای سایبر چگونه در شکل‌دهی به گفتمان‌های فرهنگی جدید نقش آفرینی کرده‌اند؟
۳. بازیگران جدید بین‌المللی از چه راهبردهایی در عرصه فرهنگی استفاده می‌کنند؟
۴. تعامل میان افول هژمونی آمریکا و فناوری‌های دیجیتال چه پیامدهایی برای نظم فرهنگی بین‌المللی داشته است؟

مبانی نظری و چارچوب مفهومی

چارچوب نظری این مقاله یک سنتز نوآورانه و بین‌رشته‌ای از سه نظریه کلان در حوزه‌های روابط بین‌الملل، جامعه‌شناسی و ارتباطات ارائه می‌دهد. این چارچوب بر این فرض استوار است که برای درک پیچیدگی تحولات جهانی معاصر، نمی‌توان تنها به یک نظریه اکتفا کرد، بلکه باید تعامل پویا بین عوامل اقتصادی-سیاسی (افول هژمونی)، عوامل فناورانه-ساختاری (جامعه شبکه‌ای) و عوامل فرهنگی-هنجاری (قدرت نرم) را تحلیل کرد.

نظریه افول هژمونی - (Acharya, 2014) رکن ژئوپلیتیک: این رکن توضیح می‌دهد که چگونه نظم بین‌المللی تحت هژمونی ایالات متحده در حال گذار به سمت یک چندقطبی پراکنده است. آچاریا (۲۰۱۴) استدلال می‌کند که جهان در حال ورود به عصر «جهان پس‌آمریکایی» است؛ عصری که در آن ایالات متحده دیگر هژمون مسلط نیست، اما همچنان یکی از چندین بازیگر مهم بین‌المللی باقی می‌ماند. در این نظم جدید، قدرت نه تنها بین دولت‌های ملی، بلکه میان شبکه‌های غیردولتی، شرکت‌های چندملیتی و بازیگران فراملی توزیع می‌شود. (Acharya, 2014; Zakaria, 2008) این نظریه بستر کلان سیاسی-اقتصادی تحولات را فراهم می‌کند و توضیح می‌دهد که چرا اکنون زمان تغییر است.

نظریه جامعه شبکه‌ای - (Castells, 2010) رکن فناورانه-ساختاری: کاستلز (۲۰۱۰) بررسی می‌کند که فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، ساختار بنیادین جامعه را دگرگون کرده و به شکل‌گیری یک پارادایم جدید شبکه‌ای انجامیده‌اند. در این پارادایم، قدرت از طریق جریان‌های اطلاعاتی در شبکه‌های جهانی به دست می‌آید و اعمال می‌شود. (Castells, 2010) این نظریه ابزار و مکانیسم تغییر را توضیح می‌دهد. اینترنت و پلتفرم‌های دیجیتال، تسهیل‌گر کاهش انحصار قدرت هژمونیک

هستند و به بازیگران غیر غربی و گروه‌های حاشیه‌نشین اجازه می‌دهند تا مستقیماً در عرصه جهانی حاضر شوند. پژوهش‌های اخیر نشان داده‌اند که هوش مصنوعی به عنوان جدیدترین لایه این تحول، مقیاس و سرعت تأثیرگذاری را به طور بی‌سابقه‌ای افزایش داده است. (Hall & Pine, 2022)

نظریه قدرت نرم - (Nye, 2021) رکن فرهنگی-هنجاری: قدرت نرم به توانایی جذب و متقاعد کردن دیگران بدون استفاده از زور یا پول اشاره دارد. نای (۲۰۲۱) استدلال می‌کند که در عصر اطلاعات، اهمیت قدرت نرم در مقایسه با قدرت سخت (نظامی) و قدرت اقتصادی افزایش یافته است. این نظریه محتوا و هدف نهایی رقابت را مشخص می‌کند. در فضای پساژئومونیک، رقابت تنها بر سر تسلیحات یا ثروت نیست، بلکه بر سر روایت‌سازی و جذب قلوب و اذهان است (Nye, 2021).

نوآوری اصلی این چارچوب در نحوه ارتباط دادن این سه نظریه است: افول هژمونی، فرصت را برای بازیگران جدید فراهم می‌کند؛ جامعه شبکه‌ای، ابزار و بستر لازم برای بهره‌برداری از این فرصت را در اختیار آنان می‌گذارد؛ و قدرت نرم، هدف و نتیجه نهایی این فعالیت‌ها در بستر جدید است. به بیان ساده‌تر، این مقاله استدلال می‌کند که افول هژمونی آمریکا در عصر دیجیتال (جامعه شبکه‌ای) منجر به تغییر در الگوهای تولید و توزیع قدرت نرم و به تبع آن، دگرگونی در تحولات فرهنگی-اجتماعی در سطح جهانی شده است.

پیشینه پژوهش

الف) پژوهش‌های خارجی

مطالعات بین‌المللی در این حوزه عمدتاً بر سه محور متمرکز بوده‌اند: نخست، پژوهش‌های مربوط به افول هژمونی آمریکا؛ دوم، مطالعات مرتبط با فناوری و تحولات فرهنگی؛ سوم، پژوهش‌های تلفیقی که به بررسی ارتباط متقابل این دو حوزه می‌پردازند. جدول زیر مهم‌ترین این پژوهش‌ها را خلاصه کرده است:

ردیف	نام نویسنده	سال	عنوان مقاله/کتاب	روش پژوهش	نتیجه/یافته کلیدی

۱	فرید زاکاریا	۲۰۰۸	جهان پسا آمریکایی	تحلیل تاریخی- تحلیلی	ظهور قدرت‌های جدید (نظیر چین و هند) به معنای پایان سلطه آمریکا نیست، بلکه به معنای ظهور جهانی چندمرکزی است که در آن قدرت به طور گسترده‌تری توزیع شده است.
۲	مانوئل کاستلز	۲۰۱۰	ظهور جامعه شبکه‌ای	تحلیل نظری-تجربی	فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، ساختار بنیادین جامعه را دگرگون کرده و به شکل‌گیری «جامعه شبکه‌ای» انجامیده‌اند که در آن قدرت از طریق جریان‌های اطلاعاتی در شبکه‌های جهانی اعمال می‌شود.
۳	استیون والت	۲۰۱۱	پایان دوران آمریکایی	تحلیل نظری	افول نسبی هژمونی آمریکا، فضای ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیکی را برای ظهور بازیگران جدید و ارائه آلترناتیوهای فرهنگی و هنجاری فراهم کرده است.
۴	آمینا آچاریا	۲۰۱۴	پایان نظم جهانی آمریکایی	تحلیل نظری	جهان در حال گذار به نظم چندقطبی پراکنده است و آمریکا دیگر هژمون مسلط نیست، اما همچنان یکی از بازیگران مهم باقی می‌ماند.
۵	مایکل شولتز	۲۰۲۰	جنگ سایبری و افول هژمونی آمریکا	مطالعه موردی	جنگ سایبری به عنوان ابزاری مؤثر و کم‌هزینه برای قدرت‌های نوظهور و بازیگران غیردولتی جهت به چالش کشیدن سلطه آمریکا و تغییر معادلات قدرت ظهور کرده است.
۶	جوزف نای	۲۰۲۱	قدرت نرم: ابزارهای موفقیت در سیاست جهانی	تحلیل نظری	در عصر اطلاعات، اهمیت قدرت نرم (توانایی جذب و متقاعدسازی) در مقایسه با قدرت سخت (نظامی) و اقتصادی افزایش یافته و منبع اصلی رقابت بین‌المللی شده است.
۷	جیمز هال و مارک پاین	۲۰۲۲	هوش مصنوعی و رقابت قدرت‌های بزرگ	تحلیل آینده‌پژوهانه	هوش مصنوعی به عرصه اصلی رقابت قدرت‌های بزرگ تبدیل شده و توانایی آن در تولید محتوا، تحلیل داده‌ها و مدیریت

					روایت‌ها، توازن قدرت را به نفع بازیگرانی تغییر می‌دهد که بر این فناوری مسلط هستند.
--	--	--	--	--	--

ب) پژوهش‌های داخلی

ردیف	نام نویسنده	سال	عنوان مقاله/کتاب	روش پژوهش	نتیجه/یافته کلیدی
۱	فرج‌الله قاسمی	۱۳۹۶	تأثیر فضای سایبر بر هویت‌سازی فرهنگی و تحول در روابط بین‌الملل	تحلیل نظری	فضای سایبر با ایجاد شبکه‌های هویتی فراملی و تضعیف مرزهای سنتی، فرآیند هویت‌سازی را از انحصار دولت‌ها خارج کرده و به عرصه‌ای برای رقابت بازیگران متعدد تبدیل شده است.
۲	سید حسین حسینی	۱۳۹۷	دیپلماسی فرهنگی در عصر فناوری‌های دیجیتال؛ فرصت‌ها و چالش‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران	تحلیل محتوا	عصر دیجیتال فرصت‌های بی‌سابقه‌ای برای دیپلماسی فرهنگی ایران (مانند دسترسی مستقیم به مخاطبان جهانی) ایجاد کرده، اما در عین حال با چالش‌هایی نظیر جنگ روایت‌ها و کاهش اصالت فرهنگی نیز همراه است.
۳	منوچهر محمدی	۱۳۹۸	کارکرد رسانه‌های دیجیتال در قدرت نرم؛ مطالعه موردی دیپلماسی عمومی ایران	مطالعه موردی	رسانه‌های دیجیتال پتانسیل بالایی برای افزایش قدرت نرم ایران دارند، اما استفاده بهینه از آنها مستلزم برنامه‌ریزی راهبردی، تولید محتوای خلاقانه و تعامل هوشمندانه با مخاطبان جهانی است.
۴	محمد رضایی	۱۳۹۹	افول هژمونی ایالات متحده و تأثیر آن بر تغییر موازنه قدرت در نظام بین‌الملل	تحلیل کیفی	افول هژمونی آمریکا منجر به گذار از نظام تک‌قطبی به نظام چندقطبی شده و موازنه قدرت را به سمت قدرت‌های نوظهور منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تغییر داده است.

۵	حمید احمدی	۱۴۰۰	تحلیل پیامدهای افول هژمونی آمریکا بر نظم بین‌الملل و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران	تحلیل اسنادی	افول هژمونی آمریکا فرصت‌ها و چالش‌های جدیدی برای ایران ایجاد کرده است. این فرصت‌ها شامل کاهش فشار بین‌المللی و امکان نقش‌آفرینی بیشتر، و چالش‌ها شامل بی‌ثباتی و پیچیدگی روزافزون نظام بین‌الملل است.
۶	مرکز تحقیقات استراتژیک	۱۴۰۱	گزارش راهبردی: افول آمریکا و پیامدهای آن برای جمهوری اسلامی ایران	گزارش تحلیلی- آینده‌پژوهانه	افول آمریکا یک فرآیند تدریجی و پیچیده است که ضمن ایجاد فرصت‌های ژئوپلیتیکی برای ایران، نیازمند هوشمندی راهبردی برای مدیریت تهدیدهای ناشی از بی‌ثباتی و تشدید رقابت‌های منطقه‌ای است.

تحلیل و نقد پیشینه

مرور پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که مطالعات موجود عمدتاً به بررسی مجزا و تک‌بعدی هر یک از متغیرهای اصلی (افول هژمونی، فناوری‌های دیجیتال، و تحولات فرهنگی) پرداخته‌اند. شکاف اصلی در ادبیات موجود، نبود پژوهشی جامع است که تعامل پویای این سه متغیر را در چارچوبی تلفیقی تحلیل کند. پژوهش‌های خارجی عمدتاً بر ابعاد ژئوپلیتیکی افول هژمونی متمرکز بوده‌اند و به ابعاد فرهنگی-اجتماعی آن کمتر توجه کرده‌اند. از سوی دیگر، پژوهش‌های داخلی اگرچه به موضوع فرهنگ و فناوری توجه داشته‌اند، اما کمتر در چارچوب تحولات کلان ژئوپلیتیکی مانند افول هژمونی آمریکا تحلیل شده‌اند. این پژوهش با تلفیق این سه حوزه و ارائه چارچوبی یکپارچه، به پر کردن این خلأ کمک می‌کند.

نوآوری پژوهش

این پژوهش از جنبه‌های متعددی دارای نوآوری است. از دیدگاه نظری، این مطالعه با تلفیق نظریه افول هژمونی (Acharya, 2014) با نظریه جامعه شبکه‌ای (Castells, 2010) و نظریه قدرت

نرم (Nye, 2021)، چارچوب تحلیلی جامع‌تری برای بررسی تحولات فرهنگی-اجتماعی ارائه می‌دهد. از نظر روشی، استفاده از روش تحلیل شبکه‌های اجتماعی برای بررسی تأثیر سکولاریسم دیجیتال بر شکل‌گیری گفتمان‌های فرهنگی، رویکرد جدیدی در مطالعات داخلی محسوب می‌شود. از نظر محتوایی، تمرکز همزمان بر سه بعد افول هژمونی، ظهور فناوری‌های دیجیتال و تحولات فرهنگی-اجتماعی، که در مطالعات پیشین عمدتاً به صورت مجزا بررسی شده‌اند، بعد جدیدی به تحلیل این پدیده می‌افزاید. در نهایت، ارائه راهبردهای عملی برای بازیگران مختلف در مواجهه با این تحولات، جنبه کاربردی نوآورانه‌ای به این پژوهش می‌بخشد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از مطالعه اسناد و منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. رویکرد پژوهش کیفی و از نوع تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه منابع مکتوب و دیجیتال مرتبط با موضوع اعم از کتب، مقالات علمی، گزارش‌های پژوهشی، و اسناد بین‌المللی است. نمونه‌گیری به صورت هدفمند و با تمرکز بر منابع معتبر و مرتبط با سوالات پژوهش انجام شده است. داده‌های مورد نیاز از طریق بررسی اسناد و مدارک موجود در پایگاه‌های علمی معتبر داخلی (نظیر نورمگز، مگ‌ایران، اس‌آی‌دی) و بین‌المللی (نظیر اسکوپوس، وب‌آوساینس، گوگل اسکالر) گردآوری شده‌اند. برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضمون (Thematic Analysis) استفاده شده است. به این صورت که پس از گردآوری داده‌ها، متون مطالعه شده، مفاهیم کلیدی استخراج، و مضامین اصلی سازماندهی شده‌اند. برای افزایش اعتبار یافته‌ها، از روش مثلث‌سازی (Triangulation) منابع و بررسی توسط هم‌تایان استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

تلفیق نظری نوین: ایجاد یک «چارچوب سه‌بعدی»

این مقاله صرفاً به توصیف پدیده‌ها نمی‌پردازد، بلکه یک لنز تحلیلی جدید می‌سازد. تعامل پویای بین سه عامل به ظاهر مجزا، کلید درک تحولات جهانی است: بعد ژئوپلیتیک (افول هژمونی آمریکا) به عنوان شرط لازم برای ایجاد «فضای فرصت»، بعد فناورانه (جامعه شبکه‌ای) به عنوان شرط کافی که «ابزار و بستر» عمل را فراهم می‌کند، و بعد فرهنگی (قدرت نرم) به عنوان «هدف و نتیجه» نهایی

این تعامل. این چارچوب نشان می‌دهد که این سه عامل در یک رابطه سینرژستیک (هم‌افزایی) قرار دارند. افول هژمونی به تنهایی منجر به دگرگونی فرهنگی نمی‌شود، بلکه ظهور فناوری‌های دیجیتال است که به بازیگران جدید اجازه می‌دهد از این فضای خلأ قدرت برای بازتعریف قدرت نرم به نفع خود استفاده کنند.

بازتعریف بازیگری در عرصه بین‌الملل: از دولت‌ها به شبکه‌ها

مقاله فراتر از نظریه سنتی «چندقطبی» که فقط بر دولت-ملت‌ها متمرکز است، می‌رود. در نظم جدید، قدرت به سمت بازیگران غیردولتی و فراملی نیز در حال انتقال است. اینها شامل: شرکت‌های فناوری بزرگ (امپراتوری‌های داده‌ای مانند متا، گوگل، علی‌بابا)، شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های محتوایی (TikTok, YouTube)، تأثیرگذاران بین‌المللی و جوامع مجازی، و سازمان‌های غیردولتی با دسترسی جهانی است. این پژوهش استدلال می‌کند که این بازیگران غیردولتی، با استفاده از ابزارهای جامعه شبکه‌ای، به طور مستقیم در تولید و شکل‌دهی به گفتمان‌های فرهنگی جهانی مشارکت می‌کنند و دیگر تنها ابزار دولت‌ها نیستند. پدیده‌هایی مانند گسترش جهانی کی‌پاپ (K-Pop) نمونه‌ای از این نقش‌آفرینی است.

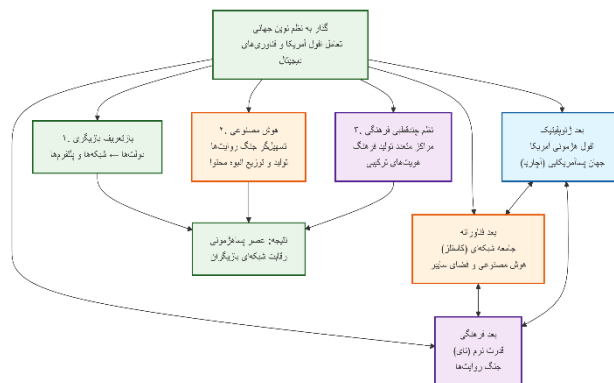
هوش مصنوعی به عنوان «تسهیل‌گر کلیدی جنگ روایت‌ها»

مقاله هوش مصنوعی را صرفاً یک ابزار فنی نمی‌داند، بلکه آن را یک مؤلفه متحول‌کننده ژئوپلیتیک معرفی می‌کند. هوش مصنوعی با توانایی خود در تولید، تحلیل و توزیع انبوه محتوا، مقیاس و سرعت «جنگ روایت‌ها» (Narrative Warfare) را به طور بی‌سابقه‌ای افزایش داده است. این امر به بازیگران نوظهور اجازه می‌دهد: روایت‌های فرهنگی جایگزین را با هزینه کم و کارایی بالا تولید کنند، محتوای هدفمندشده برای مخاطبان مختلف در سراسر جهان ایجاد کنند، و جریان اطلاعات را به نفع خود مدیریت کنند. تأکید مقاله بر این است که هوش مصنوعی نه تنها یک سلاح در جنگ روایت‌ها، بلکه خود یک عرصه رقابتی اصلی است که تسلط بر آن تعیین‌کننده برتری فرهنگی در آینده خواهد بود. (Hall & Pine, 2022) پیامدهای فرهنگی هوش مصنوعی شامل دگرگونی در نحوه مصرف فرهنگی، کاهش قدرت انتخاب انسان‌ها، و اختلال در کارکرد بازنمایی حقیقت در رسانه‌هاست (محمدی، ۱۳۹۸).

شکل گیری «نظم چندقطبی فرهنگی»

این یافته، نتیجه نهایی سه یافته قبلی است. نتیجه تعامل افول هژمونی و ظهور فناوری، گذار از یک نظم فرهنگی نسبتاً متمرکز (تحت هژمونی آمریکا) به یک نظم فرهنگی پراکنده و چندمرکزی است. در این نظم جدید، مراکز متعدد تولید فرهنگ ظهور کرده‌اند مثل موج کره ای K-Pop، تولیدات فرهنگی هند (بالیوود)، محتوای ترکی، جریان‌های فرهنگی چینی. (الگوی مصرف فرهنگ نیز جهانی و چندمنبعه شده است؛ یک نوجوان در تهران می‌تواند همزمان تحت تأثیر فرهنگ آمریکایی، کره‌ای، ترکی و محتوای تولید داخلی باشد. هویت‌ها پیچیده، ترکیبی و متناقض شده‌اند. این پژوهش این پدیده را نه به صورت مجزا، بلکه به عنوان پیامد مستقیم تغییر در توازن قدرت ژئوپلیتیک و گسترش ابزارهای دیجیتال تحلیل می‌کند.

نمودار ۱: رابطه یافته های تحقیق



بحث و نتیجه گیری

این پژوهش با هدف واکاوی تأثیر متقابل افول هژمونی ایالات متحده و ظهور فناوری‌های نوین دیجیتال بر دگرگونی‌های فرهنگی-اجتماعی جهانی، به این نتیجه کلیدی دست یافت که جهان در حال تجربه یک گذار پارادایمی بنیادین از یک نظم فرهنگی نسبتاً متمرکز و هژمونیک به سمت یک نظم چندقطبی، شبکه‌ای و غیرمتمرکز در عرصه فرهنگ و اجتماع است. این گذار، پیامد مستقیم تعامل پویای سه نیروی اصلی است: خلأ قدرت نرم ناشی از افول هژمونی ایالات متحده، توانمندسازی

بازیگران مختلف توسط ابزارهای جامعه شبکه‌ای، و تغییر ماهیت رقابت بین‌المللی به سمت جنگ روایت‌ها و جذب قلوب و اذهان.

خلاً قدرت و فرصت برای ال‌ترناتیوهای فرهنگی: یافته‌ها به وضوح نشان می‌دهد که نظم «جهان پساآمریکایی» صرفاً به معنای جایگزینی یک ابرقدرت با ابرقدرتی دیگر نیست، بلکه به معنای پراکندگی و توزیع قدرت در سطح جهانی است. (Acharya, 2014) افول نسبی توانایی آمریکا برای تحمیل ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی مورد نظر خود، یک فضای خلاً و فرصت ایجاد کرده است. این خلاً، یک میدان بازی بازتر و شلوغ‌تر را به وجود آورده که در آن، بازیگران دولتی و غیردولتی متعدد می‌توانند برای ارائه تعریف خود از فرهنگ، هویت و ارزش‌ها به رقابت بپردازند. بنابراین، مهم‌ترین تأثیر افول هژمونی آمریکا، افزایش تعداد بازیگران مؤثر در عرصه فرهنگ جهانی و در نتیجه، تنوع در گفتمان‌ها و روایت‌های فرهنگی عرضه شده است.

فناوری به عنوان تسهیل‌گر و شتاب‌دهنده تحول: در این میان، فناوری‌های دیجیتال به ویژه هوش مصنوعی و فضای سایبر، نقش تسهیل‌گر و شتاب‌دهنده این تحول را ایفا کرده‌اند. این پژوهش تأیید می‌کند که این فناوری‌ها صرفاً ابزارهای خنثی نیستند، بلکه به طور فعالانه در شکل‌دهی به دینامیک قدرت نقش دارند. (Castells, 2010) آن‌ها موانع ورود به عرصه تولید و توزیع فرهنگ را به طور چشمگیری کاهش داده‌اند. یک تولیدکننده محتوا در یک کشور در حال توسعه امروزه می‌تواند با استفاده از یک پلتفرم جهانی، مخاطبانی میلیونی در سراسر جهان پیدا کند - امکانی که دو دهه پیش منحصر به چند بنگاه رسانه‌ای غربی بود. هوش مصنوعی نیز این روند را با توانایی خود در شخصی‌سازی محتوا، ترجمه بی‌درنگ و تولید انبوه روایت‌ها، تشدید کرده و به بازیگران اجازه داده است «جنگ روایت‌ها» را با مقیاس و کارایی بی‌سابقه‌ای به پیش ببرند. (Schultz, 2020)

ظهور نظم چندقطبی فرهنگی و پیامدهای آن: حاصل نهایی این تعامل، شکل‌گیری آنچه می‌توان «نظم چندقطبی فرهنگی» نامید، است. در این نظم جدید، دیگر یک مرکز یا هژمون مسلط بر جریان فرهنگ وجود ندارد، بلکه چندین قطب و کانون فرهنگی به طور همزمان فعال هستند. این امر از یک سو منجر به غنی‌تر شدن فضای فرهنگی جهانی و دسترسی مخاطبان به انتخاب‌های متنوع‌تر شده است. با این حال، همانطور که مقاله به چالش‌ها اشاره کرد، این گذار بدون هزینه نیست. این پژوهش هشدار

می‌دهد که این فضا می‌تواند به عرصه‌ای برای تشدید جنگ روایت‌ها، فرسایش هویت‌های محلی، ابزاری شدن فرهنگ برای اهداف ژئوپلیتیک، و ایجاد بی‌ثباتی هویتی تبدیل شود (قاسمی، ۱۳۹۶). پیامدها برای بازیگران مختلف: یافته‌های این پژوهش پیامدهای مهمی برای همه بازیگران عرصه بین‌الملل دارد. برای دولت‌ها، موفقیت در جذب فرهنگی مستلزم درک عمیق پلتفرم‌های دیجیتال، سرمایه‌گذاری روی تولید محتوای جذاب و اصیل، و تعامل هوشمندانه با بازیگران غیردولتی است. برای بازیگران غیردولتی (شرکت‌ها، اینفلوئنسرها، جوامع)، آن‌ها از نقش پذیرنده صرف به نقش فعال و اثرگذار ارتقا یافته‌اند و می‌توانند مستقیماً در شکل‌دهی به افکار عمومی جهانی مشارکت کنند. برای شهروندان عادی، سواد رسانه‌ای و تفکر انتقادی به یک ضرورت برای حرکت در این فضای پیچیده تبدیل شده است.

محدودیت‌ها و پیشنهادها: این پژوهش با محدودیت‌هایی از جمله دسترسی محدود به برخی منابع بین‌المللی و تازه‌ترین یافته‌های پژوهشی در حوزه هوش مصنوعی مواجه بوده است. همچنین، سرعت بالای تحولات فناورانه، امکان به‌روزرسانی مداوم یافته‌ها را دشوار می‌سازد. برای پژوهش‌های آتی، پیشنهاد می‌شود مطالعات تجربی در جوامع مختلف برای سنجش میزان تأثیرپذیری هویت‌های فرهنگی از تحولات یاد شده انجام شود. همچنین، بررسی تطبیقی راهبردهای فرهنگی کشورهای مختلف در مواجهه با این تحولات می‌تواند افق‌های جدیدی بگشاید.

به طور خلاصه، این پژوهش استدلال می‌کند که جهان نه در حال گذار به یک «نظم پساآمریکایی» ساده، که در حال ورود به یک «عصر پساژمونی» پیچیده است که در آن فناوری و فرهنگ در هم تنیده شده‌اند تا چشم‌اندازهای جدیدی از قدرت و هویت را شکل دهند. آینده این نظم نه توسط یک هژمون، بلکه توسط تعامل، رقابت و همکاری میان شبکه‌ای گسترده از بازیگران تعریف خواهد شد. درک این پویایی جدید برای هر کسی که خواهان درک جهان قرن بیست و یکم است، امری اجتناب‌ناپذیر است.

فهرست منابع

- احمدی، حمید (۱۴۰۰). تحلیل پیامدهای افول هژمونی آمریکا بر نظم بین‌الملل و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران. مطالعات راهبردی جهان اسلام، ۲(۴)، ۳۲-۵.
- حسینی، سید حسین (۱۳۹۷). دیپلماسی فرهنگی در عصر فناوری‌های دیجیتال؛ فرصت‌ها و چالش‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۸(۳)، ۱۲۰-۱۴۷.
- رضایی، محمد (۱۳۹۹). افول هژمونی ایالات متحده و تأثیر آن بر تغییر موازنه قدرت در نظام بین‌الملل. پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱۰(۱)، ۲۵-۵۴.
- قاسمی، فرج‌الله (۱۳۹۶). تأثیر فضای سایبر بر هویت‌سازی فرهنگی و تحول در روابط بین‌الملل. مطالعات ملی، ۱۸(۴)، ۳-۲۴.
- مرکز تحقیقات استراتژیک (۱۴۰۱). گزارش راهبردی: افول آمریکا و پیامدهای آن برای جمهوری اسلامی ایران. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- محمدی، منوچهر (۱۳۹۸). کارکرد رسانه‌های دیجیتال در قدرت نرم؛ مطالعه موردی دیپلماسی عمومی ایران. رسانه، ۳۰(۴)، ۷-۳۰.
- Acharya, A. (2014). *The End of American World Order*. Polity Press.
- Castells, M. (2010). *The Rise of the Network Society* (2nd ed.). Wiley-Blackwell.
- Hall, J., & Pine, M. (2022). AI and Great Power Competition: The New Battleground. *Technology Review*, 125(3), 45-52.
- Nye, J. S. (2021). *Soft Power: The Means to Success in World Politics* (2nd ed.). Public Affairs.
- Schultz, M. (2020). Cyber Warfare and the Decline of US Hegemony. *Security Studies*, 29(4), 678-705.
- Walt, S. M. (2011). The End of the American Era. *Journal of International Affairs*, 64(2), 1-16.
- Zakaria, F. (2008). *The Post-American World*. W. W. Norton & Company.